

بیانات معظم له در دیدار اقشار مختلف مردم از اقصی نقاط کشور - 3 / آبان / 1368

بسم الله الرحمن الرحيم

امیدوارم که خدای متعال همه‌ی شما برادران و خواهران را که از نقاط مختلف کشور تشریف آوردید، مشمول لطف و رحمت و فضل خود قرار بدهد. از همه‌ی شما، مخصوصاً آقایان علمای اعلام و خانواده‌های محترم شهدا و رزمندگان عزیز، تشکر می‌کنم و امیدوارم که توفیقات الهی، شامل حال همه‌ی شما باشد.

در ابتدا، جمله‌ی کوتاهی به این نابینایان عزیزمان - مخصوصاً جوانان نشان - عرض کنم و آن این است که قدر قوای جسمی خود را بدانند و با وجود این که از بینایی برخوردار نیستند، توجه کنند که راه ترقی به روی آنها باز است. مبادا کسانی که به خاطر ضایعه‌ی بینایی و یا این که خلقتاً این گونه بوده‌اند و یکی از حواس یا یکی از اعضا را در بدن خود کم دارند، خیال کنند که راه ترقی علمی و عملی برای آنها بسته است. همه‌ی افرادی که از یکی از اعضای بدن - چه چشم، چه گوش، چه دیگر اعضا - محرومند، بقیه‌ی نعم الهی و بخصوص هوش و ذهن خویش را به کار اندازند و خود را به صورت انسانهای مفید و بخصوص عالمی درآورند و برای کشور و مردم و خودشان مفید بشوند.

اما مسأله‌ی اصلی این است که در انقلاب ما، یک بعد جهانی و بین‌المللی وجود دارد که یکی از مهمترین ابعاد انقلاب ماست. از این بعد، نباید لحظه‌ی غفلت بشود. بعد جهانی و بین‌المللی - یعنی حرف ملت ایران و راه و هدفهای او - برای بقیه‌ی ملتها و حداقل برای بعضی از ملتهای عالم، مورد قبول و مورد علاقه است. این طور نیست که ملت ایران انقلابی کرده‌اند و بقیه‌ی ملتها تماشا کنند و بگویند: این، برای خودشان و مربوط به اوضاع و احوالشان بود و به ما ارتباطی یا فایده‌ی ندارد.

خیلی از کشورها را انسان می‌تواند ببیند که در آنها حادثه و تحولی هم به وجود آمد، اما این حادثه و تحول، یا در مرزهای خود آنها محدود شد و یا برد خیلی کمی داشت. انقلاب اسلامی ایران، برد زیادی داشت و هنوز دارد و در آینده هم خواهد داشت. دلیل اصلی این قضیه این است که انقلاب ما برای اسلام بود. نمی‌گوییم که مردم از اوضاع کشور در دوران حکومت طاغوت، ناراضی نبودند و تغییر آن را نمی‌خواستند. مردم، از همه چیز دوران طاغوت ناراضی بودند. مردمی که وقتی در دوران سلطنت طاغوت - چه در رژیم وابسته‌ی پهلوی و چه در غالب حکومت‌های قبل از آن - چشم خود را باز می‌کردند و حقایق را می‌دیدند، سختی و بدی و ذلت و نابودی شخصیت خود را احساس می‌کردند. طبیعی بود که بخواهند در زندگی و معیشتشان این سختیها تغییر پیدا کند؛ اما اساس همه‌ی آن سختیها یک چیز بود و آن این بود که هیچ‌کس برای مردم و عقیده و فکر و ایمان آنها ارزشی قایل نبود. مردم، اسلام و رسوم اسلامی را می‌خواستند؛ ولی دست‌های قدرت و حکومت، ضد اسلام را تبلیغ می‌کردند. دست قدرتهای زمان، فساد اخلاقی و برهنگی و دوری از رسم و سنت اسلامی را ترویج و بر مردم تحمیل می‌کرد. در مقابل چشم مردم، همه‌ی چیزهای محبوب آنها مورد اهانت قرار می‌گرفت. این، راز اصلی قضیه بود.

ایمان اسلامی ملت ما، یکی از عمیقترین ایمانهاست. کسانی که ملتهای دیگر را از نزدیک دیده‌اند، شهادت می‌دهند که ملت ایران نسبت به اسلام و عقاید و احکام اسلامی، یکی از مؤمنترین ملتهای مسلمان است. برای مردم روشن شد که در سایه‌ی اسلام می‌توانند زندگی آزاد و برخوردار از نعم معنوی و مادی داشته باشند. اسلام، ایمان و محبت مردم بود. مردم قیام کردند و این انقلاب عظیم انجام گرفت و به دست آنها، حکومتی بر پایه‌ی اسلام به وجود آمد.

هر جا در دنیا مسلمانی هست، به این حرکت احساس علاقه می‌کند؛ چون این حرکت در چارچوبهای میهنی و ملی - که مخصوص ملتی و دون ملت دیگری باشد - محدود نبود؛ بلکه حرکتی برای اسلام بود که اسلام میان ملتهای بسیاری مشترک است. پس، ملتهای مسلمان، به این انقلاب و نظام علاقه‌مندند.

در یک نگاه دیگر، چون این انقلاب ضد قدرتهای قلدر عالم بود، یعنی ابرقدرتها را یکجا و با هم نفی می‌کرد و می‌کند و ملت ایران به همه‌ی قدرتهای مستکبر عالم، "نه" گفت، پس هر جا ملتی زیر فشار یکی از این قدرتها قرار داشت و

قرار داشته باشد، به این انقلاب علاقه‌مند است؛ چون حرف دل اوست.

خیلی ملت‌ها هستند که از حضور امریکا و نفوذ استکبار و ایجاد پایگاه‌های نظامی و دخالت‌های اقتصادی و ترویج فرهنگ بیگانه در کشورشان، دل‌هایشان پر است و ناراحت و ناراضیند؛ اما جرأت نفس کشیدن و قدرت اقدام کردن ندارند، رهبری برای حرکت در میان آنها نیست و اختناق به نحوی است که اجازه‌ی تکان خوردن به آنها نمی‌دهد. کشورهای مرتجع‌ی که به امریکا وابسته‌اند، غالباً از این قبیل هستند. این ملت‌ها، وقتی می‌بینند ملتی آزادانه و با قدرت و بدون ترس، در مقابل نفوذ امریکا و فرهنگ غرب و دخالت استکبار و حضور نظامی و اقتصادی و فرهنگی بیگانه، شعار می‌دهد و عمل می‌کند و محکم می‌ایستد، قهری است که در دلشان نسبت به این ملت و انقلاب، احساس علاقه می‌کنند.

بعد جهانی، یعنی همین که ملت و انقلاب ما، برای ملت‌های دیگر پیامی دارد و آن پیام این است که اگر ملت بخواهد و اگر گرد یک رهبر و محور توانایی مجتمع بشود، خواهد توانست کارهای نشدنی را انجام بدهد. برای همه‌ی مسلمانان پیامی دارد و آن این است که با وجود آن که سال‌های متمادی است دست‌های ضداسلام تلاش می‌کنند تا اسلام را از بین ببرند، اگر مسلمانها اراده کنند و بخواهند، می‌توانند اسلام را به جامعه برگردانند و حاکمیت بدهند. این، پیام‌های ملت و انقلاب ماست.

گمان نکنید که ملت‌های دیگر، این پیام‌ها را درک نمی‌کنند و نمی‌شنوند. این که شما مشاهده می‌کردید در مراسم حج در کنار شما و همصدای با شما، از آفریقا و آسیا و خاورمیانه و عرب و ترک و بقیه‌ی ملیت‌ها می‌ایستند و شعار می‌دهند و راهپیمایی می‌کنند، در حقیقت پاسخی است که آنها به پیام‌های شما می‌دهند. این که مشاهده می‌کنید امروز تبلیغات استکباری این‌همه علیه ایران تبلیغات دروغ می‌کنند، به‌خاطر این است که می‌خواهند نظر آن ملت‌ها را از شما برگردانند. این‌همه تبلیغات خلاف واقع و دروغ واضح می‌کنند که اگر کسی این خبرهای جهانی را بخواند و به چگونگی کار تبلیغات‌چیها آشنا نباشد، حقیقتاً تعجب خواهد کرد و از خود خواهد پرسید اینها از کجا حرف می‌زنند؟ راجع به کدام ملت و کدام کشور سخن می‌گویند؟! این تبلیغات ضد ایران و ضد جمهوری اسلامی و ضد ملت قهرمان و بزرگ ما، برای همین است که ملت‌های دیگر را دلسرد و ناامید کنند و نظر آنها را از این‌جا برگردانند. شما ملتی هستید که بر اثر تجربه‌ی بزرگ انقلابتان و بخصوص بر اثر آزمایش عظیمی که در جنگ از خود نشان دادید و محبت عاشقانه‌ی که نسبت به امام بزرگوارتان - در حیات و مماتش - ابراز کردید و شجاعتی که در مقابل قدرتها از خود نشان دادید، در چشم ملت‌های دیگر، یک ملت بزرگ و قهرمان به حساب می‌آید و حق هم همین است. آیا این توجه و علاقه‌ی جهانی، به درد ملت ایران می‌خورد یا نه؟ بله، خیلی هم به درد می‌خورد. پشتیبانی ملت‌ها از شما، دست دشمنان و قدرتها را در فشار به ملت ایران بسته و محدود کرده است. یعنی هرگونه فشاری از سوی دشمن و هر مظلومیتی از طرف ملت ما، ملت‌های دیگر را به حقانیت پیام ملت ایران بیشتر معتقد خواهد کرد و این، برای استکبار خطرناک است.

امروز، در خیلی از کشورهای جهان، همین حرف‌ها و اعتقادات و راه و شعارها و حتی رسوم و عادات انقلابی ملت ایران، نزد بسیاری از ملت‌ها به عنوان سرمشق به حساب می‌آید و آنها همین شعارها را می‌دهند و همین رسوم را عمل می‌کنند. من، در چند سال قبل از این، در یکی از کشورهای دوردست که فاصله‌ی زیادی با کشور ما دارد، دیدم که زن‌های جوان علی‌الظاهر دانشگاهی، پوشش خود را شبیه پوشش زن‌های انقلابی ایران قرار داده بودند. این، بر اثر چیست؟ ما کسانی را به آن‌جا نفرستادیم که بروند بگویند شما پوشش زن‌ها را این‌گونه قرار بدهید و به این شکل لباس بپوشید. این، گسترش طبیعی پیام انقلاب است. امروز، همین حرف‌ها و شعارها و عقاید و هدف‌ها، در بسیاری از کشورهای جهان - بخصوص کشورهای اسلامی - وجود دارد و مطرح است و مردم پرشور - و مخصوصاً جوان‌ها - را به خود جذب و جلب می‌کند. این، همان چیزی است که استکبار از آن می‌ترسد.

از این صحبت کوتاه، دو نکته را استنتاج می‌کنم: اول این که چون رابطه‌ی معنوی ملت و انقلاب ما با ملت‌های دیگر، برای استکبار چیز خطرناکی است، استکبار سعی می‌کند این رابطه را قطع کند. به چند طریق می‌تواند این کار را بکند: یکی این که به وسیله‌ی دولت‌های وابسته و مزدورشان، روی آن ملت‌ها فشار آورند که البته این راه، راه موفقی

نیست؛ زیرا هرچه فشار را روی آنها بیشتر کنند، علاقه آن مردم به انقلاب و نظام اسلامی بیشتر می‌شود. راه دیگر این است که در تبلیغات جهانی طوری حرف بزنند که دل ملتها از ایران سرد بشود. البته، این کار را از اول انقلاب تاکنون انجام داده‌اند. این که می‌بینید نسبت مرتجع و بنیادگرا می‌دهند و مرتب آمار شکنجه و اعدام را از کشور ما پخش می‌کنند، برای این است که ملتهای دیگر در کشورهای مسلمان و غیرمسلمان، نسبت به ملت ایران و حکومت اسلامی دل‌سرد شوند.

وقتی که قاچاقچی دشمن جان جوانها و انسانها به مجازات می‌رسد، در تبلیغات استکباری گفته می‌شود: مخالفان سیاسی دولت کشته شدند! عفو به اصطلاح بین‌الملل - که يك سازمان وابسته به محافل قدرتمند دنیاست - هر چند وقت يك بار، برای تفنن هم که شده، از تعداد اعدامها و شکنجه‌ها و کشتارها و بگیروبیندهای ادعایی خود در ایران لیستی تهیه می‌کند و آماری را که دشمنان ما ساختند و پرداختند و دست آنها دادند، منتشر می‌سازد. این، برای همین است که وقتی ملتهای دیگر این تبلیغات را شنیدند، نسبت به ملت ایران و حکومت اسلامی دل‌سرد بشوند. این هم راهی است که از اول انقلاب تاکنون انجام می‌دهند. يك راه دیگر هم که از همه بدتر و خطرناکتر می‌باشد، این است که فکر رابطه با ملتها را از ذهن خود ما ملت ایران ببرند. یعنی از طرف ما رابطه را قطع کنند و به ملت ایران تلقین نمایند که شما به فکر خودتان باشید، به ملتهای دیگر و به دنیا چه کار دارید؟! خودتان را دریابید و بسازید و مشکلات خودتان را برطرف کنید. ممکن است این فکر در بعضی از افراد ساده‌لوح اثر هم بکند، غافل از این که مشکلات يك ملت انقلابی، با کارهای گوناگون و متنوعی برطرف می‌شود که یکی از آنها، همین حمایت‌های جهانی است.

بسیاری از مشکلات، مشکلاتی است که دشمن بر ما تحمیل کرده و با دست او در کشور مشکل به وجود آمده است. این طور نیست که ما به خودی خود، مشکل داشته باشیم. دشمنان خارج از این مرزها - نه دشمنان حقیری که احوالنا در داخل هستند - با محاصره‌ی اقتصادی و فشار و تحمیل جنگ و با بسیاری از کارهای دیگر، مشکلات را سازماندهی می‌کنند.

اگر ملت ایران بخواهد مشکلات خود را برطرف بکند، کافی نیست که در داخل مرزها دور خودش بچرخد و به تک تک مشکلات و گره‌ها فکر کند و بیندیشد که چگونه باید آنها را باز کند. می‌باید توطئه‌ی دشمن را در بیرون هم خنثی کند. در جبهه‌ی جهانی هم باید در مقابل دشمن قرار بگیرید و بهترین شیوه و طریق آن، عبارت از افکار عمومی ملت‌هاست. پس، ما نباید این رابطه را از این طرف قطع کنیم. البته، دشمن از این گونه تبلیغات دارد. نکته‌ی دومی که می‌خواهم مطرح بکنم، این است که اگر ملت ایران بخواهد همیشه محبوب و مورد قبول و علاقه‌ی ملتهای دیگر بماند، باید در داخل، شخصیت و منش و چهره‌ی انقلابی خود را حفظ کند. آن چیزهایی که شما را در چشم ملتها بزرگ کرد، عبارت از: اولاً، وحدت شما بود. این وحدت را حفظ کنید این، عنصر بسیار باارزشی است. يك ملت یکپارچه، برای ملتهای دیگر اسوه است. ثانیاً، شجاعت شما و نترسیدن از دشمنان بود. این عنصر را در جنگ و انقلاب و صحنه‌های گوناگون ثابت کردید. این را نیز بایستی حفظ کنید؛ همچنان که بحمدالله تاکنون حفظ کرده‌اید. ثالثاً، پیوند و وابستگی و یکپارچگی کامل و شدید میان ملت و مسؤولان بود. این، برای دنیا يك چیز تماشایی است. در کشورهای دیگر کمتر اتفاق می‌افتد که سران و مسؤولان کشورها در میان مردم خود، این قدر محبوبیت داشته باشند.

در کدام کشور سراغ دارید که رئیس يك کشور از خیابانی عبور کند و مردم بریزند و ماشین او را بیوسند و نسبت به او اظهار علاقه و احترام کنند؟ در شهرهای مختلف کشور انقلابی ما، این مناظر مشاهده شده است و می‌شود. این علاقه‌ی ملت به مسؤولان، بخصوص آن پیوند عاشقانه‌ی که ملت ایران با امام بزرگوار (ره) داشتند، از آن چیزهایی نمونه‌ی است که ملتهای دنیا را به این ملت جذب می‌کند.

و بالاخره، خصوصیت چهارمی که ملت ایران را در چشم ملتها بزرگ و چهره‌ی او را درخشان می‌کند، این بود که ملت ما در طول دوران جنگ و انقلاب، مسایل کشور و انقلاب را بر مسایل شخصی ترجیح داد. این فداکاریها و ایثارها، بسیار مهم است. من، امروز هم به آحاد ملت عزیزمان می‌گویم که مسایل کشور و انقلاب را بر مسایل و

نیازهای شخصی خود ترجیح بدهند. برای انقلاب و ایران و عظمت و پیشرفت و آبادی کشور کار کنید که در این صورت، منافع همه‌ی قشرها و آحاد کشور هم تأمین خواهد شد. البته، همیشه اقلیتی بودند و هستند که منافع خود را بر منافع کشور و ملت ترجیح می‌دادند و می‌دهند. اینها، کار و روششان مردود است. برای بازسازی و آبادانی و عمران سرتاسر کشور، برای تقویت دولت و برای پیشرفت هدفها و برنامه‌های اقتصادی‌یی که مسئولان طرح می‌کنند، همه‌ی مردم خودشان را متعهد بدانند. این، به آبادی کشور خواهد انجامید و همان چیزی است که همیشه چهره‌ی انقلابی ملت ما را در مقابل ملت‌های دیگر، چهره‌ی باصلابت و قدرتمندی نشان خواهد داد و این رابطه‌ی معنوی حفظ خواهد شد.

البته، تأییدات الهی شرط اول است. باید رابطه‌ی قلبی با خدا را قویا حفظ کرد. باید حالت تقوا و پرهیزگاری و معنویتی را که در انقلاب ما بوده و هست و باید باشد، قویا حفظ کنید. در این کار، مخصوصا جوانها باید پیشقدم باشند؛ زیرا محبوبترین انسان‌های جامعه در نزد پروردگار، جوان‌های پارسا و پرهیزگار و مؤمن هستند. این، برکات الهی را جلب می‌کند و روح نشاط اسلامی را در جامعه زنده نگه می‌دارد. این رابطه‌ی قلبی و ارتباط معنوی با خدا را حفظ کنید. خدای متعال هم، الطاف و فضل و فیض و کمک خود را بر شما نازل خواهد کرد. امیدواریم که خداوند به همه توفیق عنایت فرماید و شما برادران و خواهران عزیز را مشمول برکات خود قرار بدهد و برادران پاکستانی که در جلسه‌ی ما هستند و همه‌ی ملت مؤمن و مسلمان پاکستان و سایر ملت‌های مسلمان را مشمول لطف و فضل و فیوضات خود قرار بدهد.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته